

## من و تو بسته یک زنجریم

ای به فردا نگران  
من به همدستی تو محتاجم  
تا که پیوند شوند  
بنشینند به بر  
سرخ رگ های تمنای دو دست  
من و تو  
تا نبینند خسان  
صبح پیکار، شکست من و تو  
دست هایی که گره خورده به هم  
چون سپیدار کهن خواهد شد  
ریشه در عمق زمین خواهد کرد  
هیچ موجی نکند بنیادش  
هیچ طوفان ندهد بر بادش  
من به همراهی تو محتاجم  
نه نشینم از پای  
تا تو همراه نگردی با من  
من و تو بسته یک زنجریم  
غمم اینست که سردی با من  
من به دنبال رهائی هستم  
کوله باری ز تمناست مرا  
حال برخیز که فردا دیر است  
بشکن این گند که بریاست مرا

ایرج

# گرامی باد خاطره تابناک شهدای فاجعه ملی!



## حزب توده ایران یورش به حزب کمونیست اردن را شدیداً محکوم می کند

درصدی این ارزاق منجر شد. این سیاست توسط صندوق بین المللی پول به دولت اردن دیکته شده بود. حتی اکثر نمایندگان پارلمان نیز مخالف اتخاذ چنین سیاست هایی بودند. اتخاذ این سیاست ها به یک قیام مردمی در جنوب اردن که فقیرترین ناحیه کشور است منجر شد. این قیام با خشونت و اعزام نیروهای نظامی روبرو شد و به سرکوب و برقراری حکومت نظامی در این مناطق منجر شد...»

حزب توده ایران ضمن محکوم کردن اقدام های سرکوبگرانه دولت اردن، همبستگی عمیق خود را با حزب کمونیست اردن و تمامی نیروهای ترقی خواه این کشور اعلام می کند. ما از همه نیروهای ترقی می خواهیم تا صدای اعتراض خود را علیه این اقدام های ارتجاعی و ضد مردمی بلند کنند.

در آخرین لحظاتی که «نامه مردم» آماده انتشار می شد، شدیم که مقامات امنیتی اردن در یک یورش وسیع ده ها تن از کادرها و رهبران حزب کمونیست این کشور را بازداشت کرده اند. حزب کمونیست اردن در نامه ای که به احزاب برادر ارسال کرده است، از همه نیروهای ترقی طلب کرد تا در همبستگی با نیروهای ترقی اردن صدای اعتراض خود را علیه اقدام های سرکوبگرانه دولتملک حسین بلند کنند. این اقدام های سرکوبگرانه در پی یک سلسله اعتصاب ها و اعتراض های وسیع توده ای علیه برنامه های اقتصادی دولت ملک حسین که به خواست صندوق بین المللی پول به مرحله اجراء در میمی آید، می باشد. در اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست اردن، به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۹۶ آمده است: «در ماه اوت دولت اردن سوبسید نان، گندم و برنج را حذف کرد که به افزایش ۳۰۰

# نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۸۷، دوره هشتم  
سال سیزدهم، ۶ شهریور ۱۳۷۵

## امپریالیسم، نفت، حقوق بشر و خلیج فارس

بحشی پیرامون علل و عوامل سیاست  
های ماجراجویانه و مداخله گرایانه  
امپریالیسم در منطقه خلیج فارس

ضرورت «مبارزه با تروریسم»، «رعایت حقوق بشر» و «حفظ ثبات و امنیت» از جمله شعارهای قریبکارانه ای است که متناسب با سیاست های کوتاه مدت و دراز مدت امپریالیسم در منطقه، مطرح و هدف آن تحقق این سیاست ها است. در حالی که سال ها است اکثریت توده های محروم کشورهای منطقه خلیج فارس در جنگال اشکال متفاوتی از دیکتاتوری ها و حکومت های استبدادی اسیر بوده و هستند، طرح این شعارها تنها هنگامی «ضرورت» پیدا می کند که امپریالیسم خواهان تغییر شرایط و یا تحکیم مواضع خود در منطقه باشد. به عنوان نمونه کشور ما نزدیک به بیست و پنج سال اسیر حکومت دیکتاتوری و پلیسی بود که به دست عوامل سیا و دستگاه جاسوسی انگلستان و با سرنگونی حکومت قانونی و منتخب مردم ما روی کار آمده بود. در تمامی این دوران علی رغم شکنجه، آزار و کشتار دگر اندیشان، امپریالیسم، خصوصاً امپریالیسم آمریکا نه تنها هیچ گاه نگرانی از نبود حقوق بشر ابراز نکرد، بلکه بر عکس تمامی تلاش خود را برای تثبیت و حفظ این حکومت به کار می بست. امروز وضعیت مشابهی در تمامی کشور های منطقه وجود دارد. از عربستان تا عراق مردم منطقه اسیر

ادامه در ص ۶

**اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت فاجعه ملی**  
**انسان، تاریخ، انسان**  
**اتحاد چپ برای پیروزی**  
در ص ۳  
در ص ۵،۴  
در ص ۸

### با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

### برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## رویدادهای ایران



### تشدید تهدیدهای آمریکا علیه ایران

به دنبال امضای قانون «تشدید مجازات‌های اقتصادی علیه ایران توسط بیل کلینتون، رئیس‌جمهور آمریکا، و اعلام مخالفت‌های جدی از سوی رهبران دولت‌های اتحادیه اروپا و ژاپن، دولت آمریکا به کوشش‌های خود برای تشدید فشار بر رژیم جمهوری اسلامی افزود. در روز ۱۲ مرداد، ویلیام پری، وزیر دفاع آمریکا یک روز پس از بازگشت خود از عربستان سعودی، در یک مصاحبه تلویزیونی ایران را «عامل» حملات تروریستی علیه آمریکا اعلام کرد و دست داشتن تهران در بمب‌گذاری اخیر در عربستان سعودی را «ممکن» ارزیابی کرد. ویلیام پری در این مصاحبه اعلام کرد که احتمال دست زدن آمریکا به عمل «تلافی جویانه» علیه ایران را «به طور کلی» با وزیران دفاع انگلستان و فرانسه در میان گذاشته است.

یک روز پس از این مصاحبه، در روز ۱۳ مرداد، «نیوت گینگریج»، رئیس مجلس نمایندگان آمریکا نیز حمله نظامی آمریکا به ایران را به عنوان یک اقدام دفاعی از سوی این کشور منتفی ندانست. او تأکید کرد: «من فکر می‌کنم که ما به صورت یک اقدام مشترک در سطح جهانی باید به ایران ابلاغ کنیم که باید این اردوگاه‌ها [آموزش تروریسم] را تعطیل کند». او اظهار نظر کرد که آمریکا باید به سازمان ملل مراجعه کند و مصرأ خواستار اعزام بازرسانی به ایران شود.... چنانچه ایران از پذیرفتن این بازرسان خودداری کند، آنگاه باید برای تعطیل این اردوگاه‌ها

به وسایل نظامی متوسل شد». گینگریج در سخنان خود همچنین به طور ضمنی گفت که ممکن است کلینتون در آستانه انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا بخواهد با فراهم آوردن زمینه یک حمله به ایران پشتیبانی افکار عمومی را به خود جلب کند.

احتمال حمله آمریکا به ایران از سوی نشریه انگلیسی «ساندی تلگراف» نیز مورد تأیید قرار گرفته است. این نشریه در شماره ۱۴ مرداد خود نوشت که دولت کلینتون در حال تدارک یک برنامه مفصل برای حمله به ایران است.

### آغاز تلاش برای تعیین نامزد ریاست جمهوری آینده

با پایان یافتن رقابت انتخاباتی میان جناح‌های مختلف درون و بیرون حاکمیت بر سر انتخابات دوره پنجم مجلس، توجه این جناح‌ها به سرعت روی تعیین نامزد ریاست جمهوری آینده متمرکز می‌شود. روزنامه «سلام» در گزارشی که در صفحه اول شماره ۷ مرداد خود منتشر کرد، خبر داد که تعدادی از گروه‌ها و سازمان‌های تشکیل دهنده «ائتلاف گروه‌های خط امام»، پس از مذاکرات طولانی و طی ملاقاتی با مهندس میرحسین موسوی، نخست‌وزیر سابق، خواستار موافقت وی برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری آینده شده‌اند. «سلام» در این گزارش خود به نقل از «یکی از روزنامه‌های عصر» تهران می‌نویسد که «در یک نظرسنجی غیر رسمی پیرامون رئیس‌جمهور آینده، میرحسین موسوی با فاصله زیاد نسبت به دیگران در صدر نامزدها قرار دارد.

از سوی دیگر، دبیرکل «جمعیت مؤتلفه اسلامی» در مصاحبه‌ای اعلام کرد که این «جمعیت» حجت الاسلام ناطق نوری را «به عنوان نامزد دارای صلاحیت» برای ریاست جمهوری می‌شناسد. این درحالی است که گفته می‌شود «جامعه روحانیت مبارز» در این رابطه هنوز تصمیمی نگرفته است. در محافل سیاسی دیگر نام افرادی چون دکتر حسن حبیبی، معاون اول رفسنجانی و ولایتی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی، نیز مطرح است.

هفته نامه «کیهان هوایی» نیز در یکی از شماره‌های اخیر خود، پس از اعلام اینکه «گروهی از صاحبزنان سیاسی، ضرورت فراغت حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی از مشاغل اجرایی و پرداختن به مسایل نظری و زیربنایی را مورد تأکید قرار می‌دهند»،

از محمد ری شهری، دادستان کل ویژه روحانیت، به عنوان یکی از «شخصیت‌های مطرح برای نامزدی ریاست جمهوری» نام برده است.

### وام بدون بهره برای سازندگان مدارس خصوصی!

سیداحمد زرهانی، «معاون وزیر آموزش و پرورش در امور مشارکت‌های مردمی»، اخیراً در گردهمایی سراسری رؤسای آموزش و پرورش کشور اعلام کرد که «سقف اعطای وام ساخت مدارس غیرانتفاعی [بخوان خصوصی] در سال جاری ۲۵ درصد افزایش یافته است». او در این رابطه همچنین افزود: «برای ساخت مدارس غیرانتفاعی ۵۰ میلیون ریال وام بدون کارمزد [بدون بهره] نیز پرداخت می‌شود». او برای توجیه سیاست دولت در حمایت از مدارس خصوصی مدعی شد که «مدارس غیرانتفاعی متعلق به همه فرزندان ملت اعم از غنی و فقیر است!!!» و در اثبات این مدعا اضافه کرد که «مردم!!» در سال گذشته ۳۵۰ میلیارد ریال برای بالابردن کیفیت آموزشی و پرورشی فرزندان خود [!] در مدارس غیرانتفاعی سرمایه‌گذاری [!] کرده‌اند.

زرهانی در این مورد که «مردم فقیر» این سرمایه‌ها را از دست آورده‌اند هیچ توضیحی نداد!

### در ساوه ۴۷ کلاس درس در حال تخریب است

علی اکبر خرم، مسئول امور ساختمان اداره آموزش و پرورش ساوه اخیراً اعلام کرد که «۵ طرح آموزشی با ۴۷ کلاس درس در این شهرستان که از هفت سال پیش تاکنون به صورت نیمه کاره رها شده، در حال تخریب است». وی این طرح‌ها را شامل یک دبیرستان ۱۲ کلاسه، یک مدرسه راهنمایی ۹ کلاسه و سه مدرسه ابتدایی با ۲۶ کلاس ذکر کرد. این درحالی است که به گفته این مقام مسئول، شهرستان ساوه هم اکنون با کمبود ۹۰ کلاس درس مواجه است.

طبق گفته علی اکبر خرم، ۵۰ درصد عملیات اجرایی این طرح‌ها با صرف ۵۶۵ میلیون ریال از محل کمک‌های افراد نیکوکار انجام شده است اما «تأخیر در ادامه عملیات اجرایی این فضاهای آموزشی علاوه بر تخریب این طرح‌ها دلسردی افراد خیر را نیز به دنبال داشته است».

## نگاهی به مواضع اخیر اجلاس سراسری انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌ها

تحکیم وحدت» در دانشگاه «شهید بهشتی» تهران، گزارش جداگانه‌ای منتشر کرد. بر اساس این گزارش، یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت ضمن اشاره به دستگیری‌های تعدادی از دانشجویان دانشگاه‌ها، «این گونه برخورد‌ها با جنبش دانشجویی کشور» را «از اشتباهات غیرقابل جبران» دانست و اعلام کرد که «مطرح کردن دیدگاه‌ها، انتقادات و اعتراضات انجمن‌های اسلامی حقی است که قانون اساسی، امام راحل و رهبر انقلاب به آنها اعطاء کرده است». وی در ادامه سخنان خود گفت: «برخوردهای امنیتی و پلیسی راه به جایی نخواهد برد و تنها ممکن است که باعث جدا کردن نیروهای انقلاب بشود».

طبق گزارش «سلام»، حجت الاسلام محتشمی، سخنران افتتاحیه این اردو، خطاب به دانشجویان گفت: «چنانچه شما مرعوب قدرت‌های خارجی و دست‌های مزدور داخلی شوید و این رعب را در عمل و تصمیم‌گیری‌های خود تأثیر دهید، قطعاً حرکت شما با مشکل مواجه خواهد شد».

تفاوت بوده و از خود هیچ گونه واکنشی نشان نمی‌دهد از عوامل مؤثر در غیرسیاسی و غیراسلامی کردن دانشگاه است». به اعتقاد نمایندگان، «دانشگاه اسلامی دانشگاهی است که همواره بر محور تفکر حرکت کرده و به هیچ وجه نمی‌تواند دنباله‌رو و مطیع باشد». بر همین اساس آنها «اصالت دادن به تمبید در تفکرات سیاسی-اجتماعی را یک روند غیراسلامی دانسته و حقوق ویژه‌ای را که عده‌ای برای خود قائل شده‌اند از مظاهر استبداد دینی و سیاسی دانستند.

نمایندگان انجمن‌های اسلامی همچنین «نارضایتی خود را از سلطه یک جناح بر مقدرات کشور» ابراز نمودند و چنین مطرح کردند که در ایران همواره «این حکام داخلی بوده‌اند که به دلیل ضعف درونی و دوری از مردم به استبداد داخلی دامن زده و در نهایت زمینه‌های وابستگی به خارج را فراهم ساخته‌اند».

روزنامه «سلام» همچنین در شماره ۱۰ مرداد خود در مورد تشکیل «اردوی سراسری اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور (دفتر

طبق گزارش روزنامه «سلام»، نخستین اردوی «همبستگی و اتحاد بین نمایندگان انجمن‌های اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت) و انجمن‌های اسلامی دانشجویی دانشگاه‌ها»، از ۲ تا ۵ مرداد در دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل شد. طبق گزارش این روزنامه، در این اجلاس نمایندگان انجمن‌های اسلامی «حضور شجاعانه و انقلابی خود در کنار مردم به دور از جناح‌گرایی یا گروه‌گرایی‌ها را از وظایف مهم اسلامی در وضعیت فعلی دانستند» و «ریشه‌یابی مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی از جمله فقر و بیکاری و تبعیض‌ها و مفساد اداری و مالی و دفاع از حقوق مشروع مردم به خصوص تأکید بر اجرای اصول و قوانین اسلامی به خصوص اصل عدالت را از مسایل مهم در جهت همبستگی اسلامی و ملی بین مردم و اقشار پیشتاز دانشگاهی برشمردند».

نمایندگان در این اجلاس «توجه به مسایل فوق‌الذکر را زمینه‌های اصلی اسلامی بودن دانشگاه» دانستند و تأکید کردند که «دانشجو یا استادی که نسبت به فقر و تنگدستی مردم و بی‌عدالتی‌های

## اتحاد چپ برای ...

روای اعاده روسیه به مثابه یک «قدرت بزرگ» در صحنه جهانی را دارند، متحد می کند.

ریژکوف اضافه کرد که مساله توانایی مداوم یلتسین به پیروزی در انتخابات نیاز به توجه بیشتری از سوی اپوزیسیون دارد. «ما باید تحلیل کنیم که چرا بسیاری از هم میهنان ما به یلتسین رای دادند یا تصمیم گرفتند که اصلاً رای ندهند. پاسخ به این سؤال ها برای انتخاب راه ما حیاتی است». اولین آزمایش توان و قابلیت های اتحادیه در شهریور ماه در جریان انتخابات فرمانداران ۸۹ منطقه روسیه خواهد بود. این انتخاباتی است که می تواند بطور رادیکال چهره سیاسی کشور را تغییر دهد. یلتسین و نیروهای راست که دریافته اند در آینده مشکلات فراوانی بر سر راه ادامه سیاست های فاجعه آمیز خود خواهند داشت، سعی دارند که مانع پیروزی کاندیداهای کمونیست بشوند. عملاً در بسیاری از مناطق انتخابات بین کاندیدای برگمارده شده از سوی دولت از سویی و نماینده اتحادیه خلقی - میهنی از سوی دیگر خواهد بود.

اینکه امکانات و منابع نیروهای چپ متمرکز شده است در نتیجه شانس بزرگی برای پیروزی در انتخابات فرمانداران مناطق خواهند داشت. الکساندر ژاوالف، نماینده حزب دهقانی در این رابطه اظهار داشت: «این درجه از همکاری جمعی هیچگاه قبلاً در روسیه وجود نداشته است... ما می توانیم در هر منطقه و ایالتی تا سطح ملی به مصاف حزب حکومت برویم. این بدان معنی است که ما می توانیم پیروز شویم».

## هشت سال از فاجعه ملی کشتار جمعی زندانیان سیاسی گذشت

### پیاد دلاوران بی باک خلق گرامی باد!

هم میهنان گرامی!

هشت سال از فاجعه ملی کشتار جمعی زندانیان سیاسی ایران به دست گزمگان رژیم جمهوری اسلامی می گذرد. هشت سال پیش به فرمان خمینی و برای سد کردن راه جنبش روبه رشد آزادی خواهی و عدالت طلبانه خلق های میهن ما و فرزندان دلاور و قهرمانش، گروه های مرگ به زندان های ایران اعزام شدند و در مدتی کمتر از سه ماه هزاران پیکارگر راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را در یکی از جنایت بارترین قتل عام های سیاسی تاریخ کشور ما به جوخه های مرگ سپردند تا رژیم ضد مردمی شکست خورده در جبهه های جنگی که خود لاجوجانه سال ها بر ادامه مصیبت بار آن برای مردم میهن ما پای فشرده بود، بتواند به حیات خود ادامه دهد.

در این فاجعه، کشور ما گروهی از برجسته ترین مبارزان راه آزادی و زندانیان سرشناس دوران ستم شاهی را از احزاب و سازمان های مترقی، آزادی خواه و ملی، خصوصاً احزاب و سازمان های چپ، از دست داد و بدین ترتیب ضربه مهلکی بر جنبش آزادی خواهانه میهن ما وارد آمد.

امروز پس از گذشت هشت سال مردم میهن ما همچنان در شرایط بسیار حساس و دردناکی به سر می برند. هشت سال پس از پایان جنگ نه تنها هیچ یک از وعده های سران رژیم پیرامون «بازسازی» کشور تحقق نیافته است بلکه برعکس، به دلیل اتخاذ سیاست های ضد مردمی و ضد ملی، از جمله سیاست ایران بر باد ده «تعدیل اقتصادی» تولید کشور سیر نابودی را طی می کند. میلیون ها انسان بیکار هستند، و تورم فزاینده سطح درآمد اکثریت جامعه را به شدت تنزل داده است. امروز در کشور ما علی رغم میلیارد ها دلار درآمد نفت و گاز میلیون ها ایرانی در فقر و محرومیت به سر می برند، در حالی که اقلیتی بسیار کوچک، از جمله سران و وابستگان رژیم، میلیارد ها ریال ثروت کشور را در اختیار خود دارند.

هم میهنان عزیز!

آزادی کشی، ترور مخالفان در داخل و خارج از کشور، دستگیری، آزار، شکنجه و اعدام دگر اندیشان همچنان در میهن ما بیداد می کند و هرگونه صدای مخالفی و حشیانه سرکوب می شود. استبداد «ولایت مطلقه فقیه» حتی حاضر به پذیرش دگراندیشان مذهبی نیست و تنها راه ادامه حیات خود را در تشدید سرکوب و اختناق می بیند. در مقابل صف واحد ارتجاع، استبداد و طرفدار «ولایت فقیه» و «حفظ نظام» می بایست صف واحد نیروهای ملی، مردمی و مترقی را برای نجات کشور از شرایط دهشتناک کنونی، برای استقرار دموکراسی، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی ایجاد کرد. تجربه تاریخی به ما می آموزد که رژیم های استبدادی تنها در مقابل مبارزه منسجم و یکپارچه توده ها آسیب پذیرند. تنها از این طریق می توان به رژیم «ولایت فقیه» پایان داد و راه را برای تحولات بنیادین و دموکراتیک گشود.

در هشتمین سالگرد بزرگداشت شهدای فاجعه ملی، گرم ترین دروهای خود را نثار این قهرمانان خاموش و اسطوره های مقاومت و پایداری می کنیم و با آرمان های والا، انسانی و مردمی آنان تجدید عهد می کنیم. یاد این سرداران شهید خلق زنده و جاوید است و خاطره زودده ناشدنی آنان برگ های زرینی از مبارزات آزادی بخش کشور ما است که نسل، به نسل و سینه به سینه خواهد گشت و تاریخ واقعی و مردمی کشور ما را رقم خواهد زد. ننگ و بدنامی ابدی از آن کسانی است که دست به این جنایت هولناک زدند و دیر یا زود در مقابل خلق پاسخ گوی آن خواهند بود. دیر نیست آن روزی که گلستان خاوران، آرامگاه سرداران شهید جنبش رهایی بخش میهن ما به دست مردم حق شناس گل باران شود و به معیادگاه تجدید عهد با آرمان های مردمی آنان تبدیل گردد.

درد های آتشین به خاطرۀ پاک و جاودان شهدای فاجعه ملی!  
گرامی باد خاطرۀ همه شهیدان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
شهریور ۱۳۷۵

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

# انسان، تاریخ، انسان!

## یادواره ای در بزرگداشت شهدای فاجعه ملی، اسطوره های استقامت و پایداری

است چیزی تهیه کنند، مثلاً مجسمه ای، پیکره ای که سمبل این روزها و مقاومت باشد حتماً بگو مجسمه عباس آقا را بسازند. ... آن روزها ما ها نیستیم. حتماً بگو این مرد همه چیز ما بوده و هست...».

و در گزارش دیگری می خوانیم: «روزانه تعدادی از رفقای حزب، حتی الموت جیره کابل داشتند... چندین بار از زیر چشم بندهایم شاهد بودم که پاسداران برانکاری را حمل می کنند. صدای ناله های شکنجه شدگان را گاه می شد تشخیص داد. شبی دو نفر را در پتو پیچیده دیدم که به شدت شکنجه شده بودند، از صداهای شان تشخیص دادم که رفیق بهزادی و رفیق کیهان بودند... رفیق شلتوکی را در حالی که روی صندلی چرخ دار حمل می شد و پاهایش مثل متکا بزرگ و ورم کرده و باند پیچی شده بود دیدم. بدنش از شدت شکنجه به اسکتی می ماند که به زحمت سرپا ایستاده بود. وزنش به ۳۰ کیلو رسیده بود. رفیق حجری و جوانشیر در بیدارگاه رژیم و در حضور حاکم شرع و نماینده دادستان جانانه از عملکرد و اندیشه های حزب دفاع کردند... رفیق باقرزاده در کمیته مشترک دست به خودکشی زد ولی موفق نشد. او دچار دردهای شدید عصبی، کمر درد و پادرد بود و سیاتیک و آسم او به شدت تشدید شده بود... رفیق آگاهی به هنگام دستگیری در اثر تیراندازی پاسداران به شدت زخمی شده بود، معذالک او را وحشیانه شکنجه کردند... رفیق مهدی حسنی پاک را بشدت شکنجه کردند. من خود شاهد شکنجه های او بودم. این رفیق را هر روز با پاهای باند پیچی شده زیر شکنجه می بردند و پیکر نیمه جان او را پس می آوردند... آثار سوختگی روی ساق پاهای این رفیق باقی مانده بود. او در اثر شکنجه های شدید دچار خونریزی طحال بود و از ناراحتی معده رنج می برد. رفیق ۱۷ ماه در انفرادی به سر برد و ۱۰ ماه چشم بند داشت... رفیق حسین قلمبر (سیامک) از چهره های تابناک مقاومت در زندان بود. رفیق سیامک بخش عمده ای از دوران پنج ساله و نیم زندان را در سلول انفرادی به سر برد و وحشیانه شکنجه شد». و در گزارش دیگری می خوانیم: «رفیق ناخدا بیگدلی دوران محکومیتش را در زندان مخوف گوهر دشت سپری کرد. او از چهره های تابناک مقاومت در زندان بود. او را بیش از پنج سال شکنجه کردند و آنگاه که بوی خون و کشتار در زندان ها به راه افتاد، رفیق بیگدلی این جمله را به عنوان وصیتی برای حزب فرستاد: باید دوباره از ریشه روئید...»

رفیق دکتر احمد دانش از چهره های

رزمندگان توده ای می نویسد: «نیک آئین، به عقیده همه زندانیان مظهر مقاومت و پایداری بود. شکنجه های گوناگون برای شکستن او بی نتیجه ماند. از او می خواستند آنچه در کتابها و مقالاتش نوشته نفی کند. جواب او این بود: اگر قرار باشد روزی از زندان آزاد شوم، همان چیزی را خواهم نوشت، که قبلاً نوشته ام. و در جای دیگری در پاسخ به گروهی از حوزه علیمه قم گفت: من وقتی درباره تعاونی ها مطلب نوشتم با موافقت حزب این کار را می کردم. الان حتی یک سطر هم نخواهم نوشت. هدایت الله معلم عضو کمیته مرکزی حزب شما و یکی از فعالان انجمن همبستگی نزدیک به ۶۸ سال سن داشت و از چهره های درخشان مبارزه در زندان بود. او یک سال تمام با چشم های بسته در راهروی زندان بسر می برد. در تمام این مدت حتی یک روز نبود که شلاق نخورد و تحقیر نشود. او مانند خاری در چشم دشمن بود. او روز کارگر را در راهرو جشن می گرفت و آشکارا علیه خمینی و جمهوری اسلامی شعار می داد، چیزی که در کیفرخواست او منعکس شد. او یک کمونیست و انسان واقعی بود و همیشه یک جمله را تکرار می کرد: مطمئنم وقتی مرا به پای چوبه اعدام ببرند از حزب و طبقه کارگر دفاع خواهم کرد.

عزت الله زارع، از چهره های پرشور مبارزه در زندان بود. او همیشه از عقاید حزبی خود دفاع می کرد و می گفت: دوران زندان، دوران موقت آزمایش است و قانونمندان به پایان خواهد رسید... حسین قلمبر، سعید آذرنگ، فربرز صالحی و ابوالحسن خطیب به خاطر موضع مثبت و دفاع قاطعانه شان از حزب در نزد زندانیان از محبوبیت ویژه ای برخوردار بودند. ابوالحسن خطیب چه در دوران شکنجه در کمیته مشترک و چه در اوین مظهر مقاومت بود به او خیلی فشار آوردند. ولی او به هیچ وجه تن به تسلیم نداد. خطیب را به شدت شکنجه کردند. او می گفت: من از شرف حزبی خود دفاع خواهم کرد. از چهره های دیگر مبارزه مهرداد دستگیر و حسین جلالی کارگر چاپخانه بودند. حسین جلالی دو سال در سلول انفرادی بود و وقتی او را به سالن آوردند همه زندانیان سیاسی متفقاً او را به عنوان مسؤول سالن انتخاب کردند.»

رفیق عباس حجری از چهره های برجسته و درخشانی بود که مبارزه قهرمانانه اش در زندان گرمی و روحیه بخش سایر مبارزان بود. رفیقی از زندان در پیام به رهبری حزب از جمله گفت: «اگر روزی آزادی بود و اگر روزی دوباره فعالیتی مثل سابق بود و همه چیز مثل سابق بود، برو بیایی بود، اگر خواستید از این روزها، خلاصه حوادثی که این دو سه ساله بر ما گذشته

«آه، ای مادر! پی گورم مگرد  
تقش خون دارد نشان گور مرد

...

هر کجا مشتت گره شد: مشت من!  
زخمی هر تازیانگ: پشت من!  
هر کجا فریاد آزادگ: منم!  
من در این فریادها دم می زنم!

...

عاشقان در خون خود غلطیده اند  
زندگی را زندگی بخشیده اند  
زندگی زیباست ای زیبا پسند  
زنده اندیشان به زیبایی رسند  
آنچنان زیباست این بی بازگشت  
کز برایش می توان از جان گذشت

۱. سایه

واقعیت هر پدیده را باید در تاریخ و سرگذشت آن جستجو کرد. ارزش هر پدیده در آثاری است که پدید می آورد و سرگذشت زندگی بشر در کره ما سرنوشت شگرفی است که در روند آن انسان تاریخ را می آفریند و در حرکت تاریخ به سمت تکامل انسانی نو متولد می شود. انسانی طراز نوین که قامت افراخته راه طلوع فجر صادق را علی رغم پلیدی ها، ملامت ها و دردها در پیش می گیرد و آنگاه که در این کوره راه صعب العبور به از مون فرا خوانده می شود، زندگی را علی رغم همه زیبایی ها، امیدها و آرزوها، قربانی می کند تا نسل های آینده، فرزندان ما و فرزندان آنان پایکوبان آزادی و رهایی از چنگال ظلم، پلیدی و جهل را در آغوش کشند و روند پویا و جستجوگر حرکت بشریت به سمت خوشبختی به معنای واقعی آن و رسیدن به «آرمان شهر» رهایی انسان، در آنجا که ما استثمار را خاتمه یافته و عدالت و برابری را تحقق یافته می بینیم گامی سرنوشت ساز برداشته باشد.

و در اینجا سخن ما از چنین انسان هایی است که در نبرد خستگی ناپذیر خود برای نجات بشریت حماسه های کم نظیری از شهامت، دلوری و استقامت آفرینند و کویر سوزان انسانیت در میهن استبداد زده ما را آبیاری کردند. و افسوس که در این مختصر تنها می توان به یادآوری کوتاه و مروری در زندگی برخی از این قهرمانان خاموش خلق اکفا کرد و ادای حق مطلب را به زمان دیگری وا گذاشت. امید آنکه در این یادآوری کوتاه از ایثار و انسانیت آنان بیاموزیم و همانند آنان در پیکار علیه کژی ها، سازش ناپذیر، پیگیر و نستوه باشیم. و اینک دیداری دیگر با برخی از این قهرمانان خلق. یکی از زندانیان سیاسی که عضو حزب مامم نیست در مورد مقاومت حماسی برخی از



درخشان مبارزه و رزمندگی در زندان بود. او در نامه ای سرگشاده به منتظری ضمن افشای جنایات رژیم خمینی از جمله نوشت: «در این مدت بارها و بارها به بهانه کج شدن چشم بند، حتی در خواب مورد ضرب و شتم قرار گرفته ام و یا شاهد ضرب و شتم دیگران بوده ام... اگر واقعاً خواهان رفع ظلم و اجرای عدالت هستید، تجدید نظر سریع در پرونده همه افرادی که به جرم سیاسی در زندان به سر می برند ضرورت حیاتی دارد و کوشش برای تغییر عقیده افراد از طریق اعمال فشار و زور بیهوده است...» و در نامه ای به دخترانش: «من زندگی را همیشه چنین خواسته ام. زندگی آرام و بی سروصدا و بدون فراز و نشیب مرا خسته و ملول می کرد. پایان این خط چه باشد، نمی دانم. هنوز معلوم نیست. ولی یک چیز مسلم است و آن اینکه هرچه پیش آید سر بلند و مغرورم...» و از میان نوشته ها و خاطره های نقل شده برخی از رفقای شهید

رفیق فرج الله میزانی (جوانشیر) در پاسخ به حاکم شرع گفت: «کسی که راه حزب توده ایران را برگزید، توبه نمی کند» و در وصیتی به حزب: «اگر روزی مرا اعدام کردند، به حزب بگوئید که من وفادار بودم.»

«خوشبختی واقعی وقتی است که آدم بتونه بدون داشتن هیچ چشمداشتی از هیچکس، زندگی اش را وقف خوشبختی و سعادت هموطنان و آرمان های بزرگ انسانی بکند و آنوقت در مقابل وجدان خودش سربلند باشد. در این صورت دیگر بزرگترین سختی ها در مقابل آدم هیچ است... ما مانده ایم بر سر پیمان عشق و باز ناهید، صبح چون دمد آرد پیام ما...» (از میان نامه های رفیق شهید فرزند دادگر)

«توده ای هستم و به این واقعیت افتخار می کنم... نه اگر هزاران بار دیگر بدنیا می آمدم، باز جز این انتخابی در میان نبود... وه که چه سیری را طی کردیم و شگفت آنکه اندک لرزشی پیش نیامد. تند باد حوادث را به خجالت کشاندیم... بیشتر از خودم نگران سلامتی حزب هستم... متاسفم که جز آنکه با بیم و امید نظاره گر کارتان باشم کاری از ما ساخته نیست. اما تردید ندارم که کوشش و تلاشتان بالاخره کارگر می افتد. این کوشش و تلاش روشنایی بخش جان عاشق ماست...» (از میان نامه های رفیق شهید انوشه طاهری).

«شما در بیرون در گیرودار زندگی گرفتارید. روز را شام کردن خود پیروزی است. اما اینجا دنیای دیگری است. ما در قلب زمین زندگی می کنیم. اینجا همه چیز عریان است. گاه خشم، گاه پوزخند، آنگاه لبخند و امید. تاریخ به پیش می رود. ما گوه های چرخ تاریخ هستیم. بردگان بر دارها، عیسی مصلوب، تاریخ را به پیش می رانند و اربابان سندن و منجلاب. عبور را کند می کنند... این بابک است خون بر چهره در در دیار ظلم... روزی تاریخ خوبی ها شروع می شود... شادی، دوستی، رقص... حتی اگر من نباشم.» (از نامه رفیق شهید حسین صفوی نیا).

«تا آخرین دم از آرمان هایمان دفاع می کنیم. راه دیگری وجود ندارد...» (رفیق شهید حیدر نیکو).

«در کمیته مشترک اصلاً نور ندیدم. شش ماه

هم با چشم بسته در انفرادی بودم... اصلاً حرف نزدم. باز جو با دودست آرواره هایم را باز می کرد تا زبان باز کنم، ولی همیشه می شنید: نه! نه!... من تنهایم. سنگین ترین غروب می گذرد. عشق تو (همسر)، عشق خزر (فرزند) و عشق مردم در من زبانه می کشد: حجمی عظیم برای نبرد...» (رفیق شهید نادر مهربان)

«من طلب مغفرت کنم؟! نه هرگز! این شما هستید که باید از بهترین بچه های مردم پوزش بخواهید... من همه ای بیش نیستم و باید بسوزم. آنچه اینها در بیرون نشان می دهند دروغ محض است. حقیقت اینجا در زیر شلاق و تازیانه است...» (رفیق شهید داود قریشی)

کشتار جمعی زندانیان سیاسی که حزب ما به حق به آن عنوان فاجعه ملی را داد، ضربه جبران ناپذیری به جنبش رهایی بخش و آزادی خواهانه کشور ما بود. در این یورش ددمنشانه رژیم آگاهانه تصمیم گرفت تا زندان ها را از تمامی آنانی که بر عقاید خود پایبند و استوار بودند تهی سازد و جنبش را از گروهی از زبده ترین و کارآمدترین رهبران، کادرها و مبارزان سیاسی

برای همیشه محروم کند. در این مختصر به ناچار تنها به اختصار به گوشه های کوچکی از پیکار فرزندان دلاور حزب ما اشاره شده است و از کنار بسیاری نام ها و اسطوره های قهرمانی که قبل و یا بعد از فاجعه ملی به دست ددمنشان حاکم به شهادت رسیدند به ناچار گذشته ایم. ولی نام و خاطره تاینک این الماس های اندیشه و پویندگان راه طریقت و انسانیت، انسان های طراز نوبنی چون حیدر ها (رحمان هاتقی) سیمین ها (فاطمه مدرس)، و... از خاطره خلق های میهن ما زدودنی نیست.

تاریخ انسانیت، مدنیت و معنویت را انسان هایی از این دست می سازند و نه جنایتکارانی که دبر یا زود به لن تاریخ گرفتار خواهند آمد. افتخار و ننگ تاریخ ابدی است. افتخار بر اسطوره های پایداری، شهامت و آزادگی که با نثار جان خود نهال آزادی و عدالت را در میهن ما آبیاری کردند و ننگ و نفرت بر جنایتکارانی که این گل های سرخ پرورده شده در دامن خلق و کوره مبارزه را این چنین از میهن ما ربودند و در خاک کردند.

## امپریالیسم، نفت، حقوق بشر...

حکومت های ارتجاعی و استبدادی هستند که مستقیم و یا غیر مستقیم منافع امپریالیسم جهانی را در منطقه تأمین می کنند.

پیدا کردن علل و عوامل سیاست هایی که امپریالیسم جهانی در منطقه خلیج فارس دنبال می کند، کار چندان دشواری نیست. اهمیت ذخایر سرشار نفت و گاز در منطقه خلیج فارس برای تأمین منابع انرژی کشورهای پیشرفته سرمایه داری و انحصارهای فراملیتی واقعیتی است روشن و انکار ناپذیر. از اعزام نیروی نظامی برای سرکوب جنبش ملی شدن نفت در ایران، در دهه پنجاه میلادی تا تبدیل منطقه خلیج فارس به یک منطقه نظامی که در آن کشورهای امپریالیستی حضور دائمی خود را از طریق پایگاه های نظامی در عربستان سعودی، کویت، بحرین و ... تحکیم کرده اند، در دهه هشتاد و نود همگی بخشی از سیاستی است که در مجموع دشواری های عظیمی را برای رشد، شکوفایی و استقرار حکومت های ملی و دموکراتیک در منطقه ایجاد کرده است.

آژانس بین المللی انرژی (IEA) که به وسیله کشورهای پیشرفته سرمایه داری پایه ریزی و اداره می شود، در گزارش سالیانه اخیر خود زیر عنوان «بررسی وضعیت انرژی جهانی» و ضرورت برنامه ریزی برای هزاره سوم، که بخش مهمی از آن به خلیج فارس اختصاص داده شده است، از جمله می نویسد: «پیش بینی می شود که تقاضای جهانی نفت از ۶۸ میلیون بشکه در روز (سال ۱۹۹۴) تا سال ۲۰۱۰ به روزانه ۸۵ تا ۱۰۵ میلیون بشکه افزایش یابد». این گزارش ضمن ارزیابی منابع و مناطق نفت خیز جهان تأکید می کند که با وجود سفره های وسیع و غنی نفت و گاز در سبیری، حوضه های دریای خزر، حوضه نفت خیز آتلانتیک و حوضه خلیج فارس به دلایل گوناگون می باید کماکان مهمترین مرکز و منبع تأمین تقاضای روبه افزایش نفت برای جهان صنعتی باشد. گزارش مزبور پس از این تأکید به بررسی راه های متعدد افزایش صدور نفت و امکانات بالقوه و بالفعل شش کشور حوضه خلیج فارس یعنی ایران، عراق، عربستان، قطر، کویت و امارات متحده عربی می پردازد و نتیجه می گیرد که: «باید سهم این منطقه [خلیج فارس] برای تأمین نفت و گاز در آینده نسبت به سال ۱۹۹۴ حدود ۲۰ میلیون بشکه در روز افزایش یابد... این کشورها [۶ کشور] در شرایط فعلی، شش میلیون بشکه در روز ظرفیت تولیدی ذخیره دارند. بنابراین می توانند تا ۱۴ سال دیگر به طور میانگین سالیانه یک میلیون بشکه بر توانایی تولید نفت خود بیفزایند تا بتوانند تا سال ۲۰۱۰ پاسخگوی نیاز روزانه ۲۰ میلیون بشکه نفت اضافی مورد نیاز باشند...»

افزایش تولید مورد نیاز کشورهای امپریالیستی بدون سرمایه گذاری عظیم میسر نیست، و این مهم، با توجه به شرایط و وضعیت اقتصادی کشورهای منطقه و ده ها میلیارد دلار بدهی خارجی، تنها از طریق شرکت مستقیم انحصارهای فراملیتی در این امر امکان پذیر است. بر اساس برآورد آژانس بین المللی انرژی، کل سرمایه گذاری مورد نیاز برای افزایش تولید نفت و گاز تا سال ۲۰۰۰ رقمی معادل ۱۰۰ هزار میلیون دلار است. آژانس بین المللی انرژی در نتیجه گیری همین بخش می

افزاید: «رفرم بازار شرایط را برای شش کشور حوضه خلیج فارس که ۶۵ درصد ذخایر نفت و ۳۰ درصد ذخایر کشف شده گاز جهان را در اختیار دارند، به وجود خواهد آورد تا بتوان سرمایه گذاری های لازم در این امر را انجام داد...»

«رفرم بازار»، نیز چیزی نیست جز سیاست های فاجعه بار «تعدیل اقتصادی» که در میهن ما به دستور صندوق بین المللی پول و بانک جهانی در جریان است و یا در جمهوری آذربایجان منابع نفتی دریای خزر را در اختیار انحصارهای فراملیتی قرار داده است. این سیاست ها نه تنها در کشورهای حوضه خلیج فارس، بلکه در بسیاری از کشورهای دیگر نفت خیر از جمله نیجریه، ونزوئلا، روسیه و ... به کار گرفته شده و نتایج فاجعه باری برای اقتصاد ملی این کشورها به بار آورده است. هدف چنین سیاست هایی باز گذاشتن دست انحصارهای فراملیتی در سرمایه گذاری و کنترل تولید نفت و گاز، تأمین شرایط سیاسی لازم برای ادامه و حفظ این سیاست ها از راه تحمیل حکومت های وابسته و «دوست» و بالاخره نابودی اقتصاد ملی کشورها و وابسته کردن آنها به درآمد نفت است. اتفاقی نیست که کشور ما علی رغم فروش صدها میلیارد دلار نفت در چهارده گذشته عمدتاً به یک اقتصاد تک محصولی و بیمار اتکا دارد که مهمترین منابع درآمدش از طریق فروش نفت و گاز تأمین می شود.

کوتاه سخن! برای کشورهای امپریالیستی مهمترین مسأله تأمین ادامه غارت منابع زیر زمینی کشورهای حوضه خلیج فارس، خصوصاً نفت و گاز این کشورها می باشد. سرمایه گذاری عظیم انحصارهای امپریالیستی در این مناطق، از جمله قرارداد ۶۰۰ میلیون دلاری شرکت فرانسوی توتال در کنار برنامه عظیم غارت نفت دریای خزر، نشانگر برنامه های دراز مدت این انحصارها برای منطقه ماست. در این چارچوب است که «ثبات» سیاسی و فشار برای پایان دادن به سیاست «صدور انقلاب اسلامی» به سایر کشورهای منطقه از جمله علل توجیح دهنده برخوردهای تهدید آمیز امپریالیسم خصوصاً امپریالیسم آمریکا با ایران است. این سیاست ها نه از روی دلسوزی برای میلیون ها ایرانی که زیر یوغ دیکتاتوری «ولایت فقیه» زندگی می کنند، بلکه تنها و تنها به منظور به «راه آوردن» رژیم در منطقه است. روابط پنهانی رژیم جمهوری اسلامی با آمریکا و تأمین اسلحه از این طریق در تمامی سال های جنگ ایران و عراق و در حالی که خمینی و طرفداران او شعارهای تند «ضد آمریکایی» می دادند، میزان تعهد طرفین به مواضع و شعارهایی را که می دهند روشن می کند. اتفاقی نیست که سایر کشورهای امپریالیستی، از جمله فرانسه، آلمان و ژاپن، دولت آمریکا را به تغییر سیاست، راه آمدن با رژیم و سیاست «دیالوگ انتقادی» فرامی خوانند.

برای مردم ما و نیروهای مترقی در منطقه، شرایط بسیار دشوار و تعیین کننده است. در شرایط حضور گسترش یابنده امپریالیسم در منطقه خلیج فارس و در شرایط ادامه حکومت های استبدادی و دیکتاتوری، تنها راه تشدید مبارزه متحد علیه این توطئه ها و برای آزادی، دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی است.

## غار تگران

### بنیاد مستضعفان!

بعد از افشای اختلاس تاریخی ۱۲۳ میلیارد تومانی برادر رفیق دوست، رییس بنیاد مستضعفان، و بعد از انتصاب دوباره نامبرده به سمت ریاست بنیاد و ابقای وی در این مسؤلیت از سوی خامنه ای، بلندگوهای تبلیغاتی رژیم بکار گرفته شد تا به مردم به قبولاندن که دزدی آن برادر به ریاست این یکی ربطی ندارد و «بچه میدونی» (!) که عنکبوت وار کنترل تمام امور بنیاد را در اختیار دارد آنچنان مسلمان متعهد و شیرپاک خورده ای است که به کوچک ترین سوء استفاده ای در هشت پای عظیم مالی خودش امکان نمی دهد و بیت المال ملت را نیز که گویا صاحبان اصلی آن مستضعفان هستند! مانند یک ودیعه الهی که به وی تفویض گردیده است، نگاهبان است! تبلیغات رژیم در قبولاندن این دروغ پردازی تا آنجا پیش رفت که ادعا کردند هر که جز این می گوید ضد انقلاب است و دشمن اسلام، زیرا پرونده رییس محترم بنیاد و همکاران وی حتی شفاف تر از بودجه ای است که رفسنجانی در دوسال قبل تقدیم مجلس شورای اسلامی نمود. شفافیت آن در بالاترین تورم و گرانی و بیکاری... چشم همه را خیره کرد! مردم که باحیاط بودند ساکت شدند رهبرانی که این سکوت را حمل بر باور کردند درصدد برآمدند که ادعاهای خود را مستند سازند. گروه تحقیق و تفحص مجلس را مامور کردند که از عملکرد بنیاد یک بررسی گذارایی به عمل بیاورند و به مردم دیرباور و ضد انقلاب خارج نشین! ثابت کنند که تردیدهای آنان چیزی جز ناباوری بی جا نبوده است! گروه یاد شده تجسس کوتاهی کرد و با انتشار گزارش خود، بدون آنکه مشت محکمی بر دهان مردم دیرباور ضد انقلاب خارج و داخل بزند، ثابت کرد که چه کسی واقعا دزد است و چه کسی واقعا دروغگو به برخی از نکته هایی که در این گزارش ذکر شده است و همگان در جریان آن قرار دارند، اشاره می کنیم تا خوانندگان، خود به شرح آن بپردازند!

- جعل اسناد و مدارک کارشناسی! - اختلاف آمار و ارقام موجود. (به طور مثال: فروش مستغلات به ارزش ۱ میلیارد و ... و اعلام آن در حدود ۶۰۰ میلیارد و ... (ریال)!) - واگذاری رایگان ملک بدون مجوز! - پرداخت رشوه های کلان...! - عدم وجود آمار و ارقام و پرونده های لازم مربوط به املاک و مستغلات در سال ۶۸ و قبل از آن و قابل ارایه نبودن آن از سوی مسؤلین بنیاد! - مغایرت عملکرد بنیاد با اهداف تعیین شده در اساسنامه! (رسالت ۳ خرداد).

یک هفته قبل از انتشار این گزارش، محسن رفیق دوست در مصاحبه خود با روزنامه رسالت اعلام کرده بود که «واحدهای تابعه بنیاد به طور منظم و مستمر تحت رسیدگی واحد بازرسی و حراست بنیاد و همچنین تشکیلات بازرسی دفتر مقام معظم رهبری قرار دارد». (رسالت ۲۹ اردیبهشت). از گزارش گروه تحقیق و تفحص مجلس، امروز می توان «واحد بازرسی و حراست بنیاد» را بهتر شناخت که شریک دزد بوده است و رفیق قافله! و ریاست این قافله که می گوید «من فرد گمنامی نیستم و سوابق من در قبل و بعد از انقلاب برای مردم و مسؤلین روشن است» (همانجا) نیز به تکرار حرف بی موردی نبرداخته است زیرا مردم او را خوب می شناسند و می دانند که وی «بچه میدون» قبل از انقلاب و از همه کاره های بعد از انقلاب است، اما آن مهمی که در این میان می ماند «دفتر مقام معظم رهبری» است و «تشکیلات بازرسی» آن که بنا به ادعای رفیق دوست «بطور مستمر واحدهای مختلف بنیاد را رسیدگی می کردند». آنها در کدام سوی این شراکت نامیمون قرار داشتند و با کدام قافله همراه بودند؟ با توجه به اینکه کوچک ترین گزارشی تا به امروز از سوی «تشکیلات بازرسی دفتر مقام معظم رهبری» در مورد غارتگری های کلان مسؤلین متعهد بنیاد انتشار نیافته است، به نظر نمی رسد که پاسخ آن زیاد دشوار باشد. مردم میهن ما هر چه بیشتر به این نتیجه می رسند که خانه از پای بست ویران است.

## رویدادهای جهان



### اجلاس احزاب کمونیست

هیات های نمایندگی ۲۲ حزب و سازمان کمونیستی روسیه و دیگر کشورهای عضو کنفدراسیون کشورهای مستقل CIS (شوروی سابق) در روزهای ۱۳ و ۱۴ مرداد ماه در مسکو در اجلاسی رسمی شرکت کرده و در مورد استراتژی آینده خود به بحث نشستند. حزب کمونیست فدراسیون روسیه بزرگ ترین و با قدرت ترین حزب در کشورهای تشکیل دهنده شوروی سابق بطور فعال در این اجلاس شرکت کرد. اولگ شین، صدر اتحادیه احزاب کمونیست، از نمایندگان احزاب شرکت کننده خواست که اختلاف نظرهای ایدئولوژیک خود را کنار بگذارند و از ابتکار حزب کمونیست فدراسیون روسیه مبنی بر تشکیل یک اتحادیه وسیع مردمی - میهنی حمایت کنند. علی رغم برخی اختلاف نظرهای طرح شده از سوی برخی احزاب تندرو مبنی بر اینکه نظرات زیوگائف هر چه بیشتر معتدل می شود. قطعنامه پیشنهادی از سوی رفیق شین با اکثریت لازم به تصویب رسید.

### موضع حزب کمونیست روسیه در مورد دولت

به گزارش مطبوعات و رسانه های عمومی روسیه کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه در پلنوم اخیر خود در مرداد ماه، اعلام کرد مادامی که سیاست اقتصادی دولت به طور رادیکال عوض نشده است به صلاح نخواهد بود که به دولت بپیوندند. در هفته های اخیر مطبوعات و تحلیل گران سیاسی احتمال دعوت شخصیت های سرشناس نزدیک به حزب را به کابینه مطرح کرده اند. موضع حزب کمونیست فدراسیون روسیه این است که قبول پست های غیر کلیدی در کابینه عملا در افکار عمومی حزب را موافق سیاست دولت نمایش خواهد داد و این امر

حزب را از یک سلاح موثر در انتخابات منطقه ای، که بزودی انجام خواهد شد، محروم خواهد کرد. قبل از این، پلنوم، در ۹ مرداد ماه، یک هیات عالی رتبه حزب کمونیست مرکب از گنادی زیوگائف و ۱۵ نفر از نمایندگان حزب در دوما با چرنومردین ملاقات و نقطه نظرات حزب را در مورد مسایل مختلف سیاسی و اقتصادی با او در میان گذاشتند. زیوگائف قبل از این جلسه گفته بود که این دیدار برای کمک به تصمیم گیری فراکسیون حزب در دوما، که از کاندیداتوری چرنومردین برای نخست وزیری حمایت کند یا نه، برگزار شده است. در ۲۰ مرداد ماه دوما روسیه نخست وزیری چرنومردین را با رای ۸۵-۳۱۴ مورد تایید قرار داد. طبق قانون اساسی رای اعتماد به نخست وزیر بعد از انتخاب ریاست جمهور و با پیشنهاد او نیاز به ۲۲۶ رای دارد. در توضیح دلیل حمایت حزب کمونیست فدراسیون روسیه از انتخاب چرنومردین، زیوگائف گفت که رای اعتماد به این خاطر به او داده می شود تا تلاش خود را برای جلوگیری از تلاشی روسیه به عمل بیاورد. زیوگائف گفت: «از آنجا که رییس جمهور در مرخصی دایمی است، دولت استعفا کرده است و دوما بی اثر است خلاء قدرت سیاسی در روسیه ایجاد شده است»

### پاکستان از ترکمنستان گاز می خرد

به گزارش رادیو پاکستان بوریس شیخ مرادوف، وزیر خارجه ترکمنستان، با بی نظیر بوتو، نخست وزیر پاکستان در اسلام آباد ملاقات و در مورد ساختمان یک خط لوله گاز و نفت که دو کشور را بهم متصل می کند و نیز سرمایه گذاری در پروژه های زیر بنایی گفتگو و مذاکره کردند. شیخ مرادوف که از طرف مقامات اجرایی کمپانی های نفتی آمریکایی یونوکال و دلنا همراهی می شد در تلاش است که امکان صدور منابع غنی هیدروکربور جنوب ترکمنستان را از طریق مناطق غربی افغانستان که زیر کنترل طالبان است به پاکستان فراهم کند. این پروژه هم برای پاکستان و هم ترکمنستان حیاتی است. پاکستان که احتیاج مبرم به نفت و گاز دارد زیر فشار آمریکا از انعقاد قرارداد با ایران صرف نظر کرده است. ترکمنستان نیز در سال های اخیر مشکل فروش گاز طبیعی تولیدی خود را داشته است. در سال ۱۹۹۰ تولید گاز طبیعی ترکمنستان ۹۰ میلیارد متر مکعب بود در حالی که امسال از ۴۸ میلیارد متر مکعب تجاوز نکرده است. در ۱۸ مرداد ماه، سفر مراد نیازوف، رییس جمهور ترکمنستان با رییس کمپانی روسی گاز پروم ملاقات کرد و در مورد امضاء توافقنامه ای برای

تشکیل یک کمپانی جدید بنام ترکمن روس گاز که در آن ترکمنستان ۵۱ درصد و گاز پروم ۴۵ درصد سهام را خواهند داشت، مذاکره و به توافق رسید.

### تحولات شتاب گیرنده در ارمنستان

هفت تن از کاندیداهای ریاست جمهوری تقاضای رسمی اعلام کاندیداتوری خود را قبل از پایان موعد مقرر که ۱۲ مرداد ماه بود تسلیم کردند. هر کاندیدا می بایست امضاء ۲۵ هزار نفر را مبنی بر حمایت از کاندیداتوری خود تسلیم می کرد. لئون تریپتروسیان، رییس جمهور فعلی ۳۹/۸۸۲ امضاء و سرگئی بدلیان، نماینده حزب کمونیست ۳۶/۷۵۱ امضاء در حمایت از خود تسلیم مقامات کرده اند. دور اول انتخابات ریاست جمهوری در اوایل مهرماه انجام خواهد شد.

\* در ۱۲ مرداد ماه ۱۶۰۰ کارگراعتصابی کمپانی ساختمان سپیان در مقابل پارلمان در ایروان تظاهرات کردند و خواستار پرداخت ۱۱ ماه حقوق عقب مانده خود شدند آنها همچنین علیه انحلال اتحادیه کارگری خود توسط گردانندگان کمپانی، اعتراض داشتند. کمپانی سپیان بخشی از وزارت دفاع است و روی پروژه های نظامی کار می کند.

### ارمنستان به ترکیه نزدیک می شود

مقامات ارمنستان در ۱۸ مرداد ماه اعلام کردند که تعداد زیادی از مبارزان چریک کرد را در دهکده ای در مرزهای این کشور با ترکیه دستگیر و خلع سلاح کرده اند. اعلام همزمان خبر دیگری در برکناری دو مقام عالی رتبه وزارت داخله ارمنستان که یکی مسؤول پرسنل و دیگری مسؤول پاسپورت و ویزا بودند به جرم سو استفاده از مقامشان نشان از تغییر سیاست های منطقه ای ارمنستان است. سه روز قبل این به گزارشر روزنامه حریت تلمسان تریپتروسیان، برادر بزرگ تر رییس جمهور که عضو پارلمان است به همراه یک هیات عالی رتبه اقتصادی و تجاری این کشور از ترکیه بازدید کرد و با مقامات پارلمانی، تجار و روزنامه نگاران ترکیه مذاکراتی به عمل آورد. مضمون این گفتگوها تلاش برای بهبود روابط دو کشور، تشویق ترکیه برای خرید انرژی برق وسیع از ارمنستان و قبول این کشور به عنوان بازاری برای کالاهای ترکیه و نیز در نظر گرفتن ارمنستان به عنوان یک کشور عبور ترانزیت گاز طبیعی ترکمنستان و روسیه است.

## به اشغال قبرس پایان دهید

قبرس می داند. دو کشور امپریالیستی از پایگاه های خود جهت تاثیر گذاری روی تحولات خاورمیانه استفاده می کنند. زحمتکش قبرس هر سال در سالگرد اشغال کشورشان، ۲۴ مرداد ماه خواستار حل مسالمت آمیز و اعاده حاکمیت بر سراسر خاک کشورشان هستند. این امر در راستای قطعنامه های سازمان ملل و شورای امنیت است که تاکنون اجرا نشده اند. حزب زحمتکشان مترقی قبرس (آکل) که از قدرتمندترین احزاب سیاسی کشور است و ۳۳ درصد مردم از آن حمایت می کنند خواستار اعاده استقلال و حاکمیت و بیکارچگی ارضی جزیره قبرس، برپایه غیر نظامی کردن سراسر آن و خارج شدن تمامی نیروهای خارجی و ایجاد ساختارهای فدرال مورد قبول ساکنان ترک و یونانی قبرس، شد. این خواسته های ترقی خواهانه مورد قبول و حمایت تمامی زحمتکشان و مبارزان ترقی خواه در سراسر جهان است.

دو قسمت را بگیرد. او گفت: «کلریدس! تومی توانی جلوی این جوانان را بگیر. تو قدرت کافی داری. این جوانان را متوقف کن». اربکان، نخست وزیر ترکیه ضمن ابراز تاسف به خاطر خشونت مسوولیت آن را به دوش یونانی های قبرس انداخت. نخست وزیر یونان، سربازان ترک را به عنوان جنایتکاران تقبیح کرد.

یونان در مورد قتل تظاهر کنندگان قبرسی به آنکارا، واشنگتن، دبیر کل سازمان ملل و اتحادیه اروپا شکایت کرده است. رهبران قبرس و یونان امیدوارند که بحران حاضر، حل مساله قبرس را در دستور کار مراجع بین المللی قرار دهد. غرب و ناتو در تعقیب منافع خود از موضع گیری جدی در مورد محکوم کردن ترکیه، عضو ناتو، برای اشغال خاک کشور دیگر، خودداری کرده اند. ایالات متحده پایگاه های نظامی متعدد در ترکیه دارد و انگلیس نیز وضعیت فعلی را مناسب حفظ پایگاه های خود در

با تیراندازی نیروهای اشغالگر ترکیه بر روی تظاهر کنندگان قبرسی که در اعتراض به ۲۳- مین سالگرد اشغال کشورشان در مرز منطقه اشغالی گرد آمده بودند، یک تظاهر کننده جوان کشته و ۲ سرباز نیروهای حافظ صلح سازمان ملل زخمی شدند. در ۲۰ مرداد ماه، ۴ روز قبل از آن نیز، یک جوان قبرسی که در اعتراض به اشغال غیر قانونی کشورش در محدوده زیر کنترل نیروهای ترک وارد شده بود زیر ضربات چوبدستی و میله های آهنی کشته و ۵۰ نفر دیگر هم زخمی شدند.

اسقف اعظم قبرس و رهبر کلیسای ارتدکس این کشور در مراسم به خاک سپاری جوان کشته شده گفت که او «یک قهرمان مبارزه آزادی بخش ما است که زیر ضربات تجاوزگران وحشی به خاک افتاد». رثوف دنکناش، رهبر دست نشانده بخش شمالی تحت اشغال نیروهای ترک از پزیدنت کلریدس، رییس جمهور قبرس خواست که جلوی تظاهرات در محدوده مرزهای

# اتحاد چپ برای پیروزی

ولادیمیر استار چنگو، نماینده حزب کمونیست فدراسیون روسیه از اورال گفت: «ما علیه برتری و تسلط توسط هر حزبی هستیم، ولی چون حزب کمونیست بزرگ ترین حزب است و بیشترین افراد و منابع را در اختیار اتحادیه قرار می دهد باید نفوذی متناسب با آن داشته باشد». از روزها قبل از تشکیل کنواسیون، رهبران حزب دهقانی خواست خود را مبنی بر اختصاص نقش ویژه به میخائیل لاشین، رهبر این حزب، اعلام کرده بودند. طبق نظر لاشین از آن جایکه ساکنان مناطق روستایی از جمله فعال ترین رای دهندگان چپ هستند، حزب دهقانی «باید یکی از نقش های رهبری را در اپوزیسیون سازنده ایفاء کند» و نقش «برادر کوچک» حزب کمونیست را از آن انتظار نداشته باشند.

گزارش های رسیده حاکی از آن است که توافق حاصله در مورد ساختار و برنامه اتحادیه نگرانی های اصلی در این مورد را منتفی ساخته است.

این طبیعی است که اتحادیه میهنی به مثابه جبهه وسیعی از نیروها، با برنامه و دیدگاه های متفاوت به طور متمایز با حزب کمونیست فدراسیون روسیه با مساله برنامه و پرسپکتیو آلترناتیو برخورد کند. ریژکوف گفت: «در آینده فقط دو نیروی سیاسی اصلی در روسیه وجود خواهد داشت که برای گرفتن قدرت مبارزه خواهند کرد. یکی حزب حکومت است و دیگری نیروهای میهنی». براساس گفته های او «حزب حکومت» در انتخابات پارلمانی در آذرماه گذشته باخت و انتخابات ریاست جمهوری را نبرد. لیکن نیروهای طرفدار یلتسین به کسانی که طرفدار غرب هستند و کسانی که بیشتر موضع میهنی دارند، تقسیم می شوند. ریژکوف اظهار داشت که ملاحظه اصلی «حزب حکومت» این است که ثروت و قدرت نخبگان سیاسی و اقتصادی کنونی را حفظ و تثبیت نماید.»

در مقابل اتحادیه خلقی - میهنی همه آنانی را که که ثمری از رفم های بازار نصیبشان نشده، که در طول پنج سال گذشته «به طور سیستماتیک توسط رژیم یلتسین مغبون شده اند» و آنهایی که

وسعی از نیروها و تدوین برنامه روشنی برای مبارزات آینده، شایان اهمیت فوق العاده است. تاتیانا آرتیو بکینا، یک بانوی فعال مسایل محیط زیست از شهر ریازان در روسیه مرکزی گفت: «این جا افرادی گرد هم آمده ایم که رفم های بازار را برای روسیه یک فاجعه می دانیم... باید دید که آیا ما می توانیم یک برنامه مثبت که قابلیت متحد کردن تمامی نیروهای اپوزیسیون را برای متوقف کردن روند زوال روسیه با هدف تصاحب قدرت سیاسی داشته باشد، ایجاد نماییم».

ریژکوف گفت که اتحادیه خلقی - میهنی فقط دو اصل عمده ایدئولوژیک دارد. که عبارتند از میهن دوستی و عدالت اجتماعی. وی اضافه کرد: «طی چند سال گذشته همه نوع احزاب و جنبش ها در روسیه ظهور و سقوط کرده اند. این روشن است که فقط ایده های بزرگ و محوری می توانند وفاداری مردم را به خود جلب کنند و این اصول ثابت شده اند». برخی از شرکت کنندگان کنوانسیون در مورد تاکید روی «میهن دوستی» و احتمال سوء استفاده های شونیستی از آن نگرانی هایی را ابراز کردند. فیودور ابویویرکل، نماینده ۷۰ ساله از جمهوری چوداشیا گفت: «من در تمام زندگیم یک شهروند اتحاد شوروی چند ملیتی و همیشه یک میهن دوست بودم... لیکن این همه صحبت در مورد میهن دوستی روسی نگرانی هایی را به وجود می آرد به نظر می رسد که بسیاری از حاضران در این سالن منظورشان از آن مذهب ارتدکس روسی، زبان روسی، فرهنگ روسی و سنن روسی باشد. من خواستارم که بیشتر در مورد میهن دوستی ای بستم که برای همه ماست».

از دیگر نکات برجسته مورد توجه کنوانسیون - تنظیم رابطه ای منطقی و عملی بین احزاب اصلی تشکیل دهنده اتحادیه خلقی - میهنی بود. واقعیت این است که در کنار حزب کمونیست فدراسیون روسیه، حزب دهقانی، جنبش درژاوا به رهبری الکساندر روتسکوی، معاون پیشین رئیس جمهور و بلوک پارلمانی «قدرت برای مردم» به رهبری ریژکوف حضور دارند و تنظیم ساختاری که مانع برخوردهای غیر سازنده و جنجال آفرین شود اهمیت اساسی دارد.

بر خلاف تمام پیش بینی های عجولانه مبنی بر اینکه با شکست گنادی زیوگائف در انتخابات ریاست جمهوری روسیه، جبهه متحد نیروهای مترقی روسیه از هم خواهد پاشید، در روز ۱۷ مرداد ماه طیف وسیع تری از نیروهای چپ، ملی و میهنی روسیه با پایه گذاری یک ائتلاف دایمی، مبارزه خود را با هدف پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری آینده و تصاحب قدرت دولتی آغاز کردند.

نیکلای زرکوف، نخست وزیر اتحاد شوروی سابق که از سازمان دهندگان اصلی اتحادیه خلقی - میهنی است در سخنانی خطاب به ۳۵۹ نماینده حاضر در کنوانسیون پایه گذاری اتحادیه در مسکو گفت: «در انتخابات پارلمانی سال ۱۹۹۵ نیروهای میهنی ۱۵ میلیون رای داشتند، در انتخابات ریاست جمهوری ما صاحب بیش از ۳۰ میلیون رای شدیم. این ائتلاف توسعه خواهد یافت و کاری را که تاکنون انجام شده است تعمیق خواهد داد»

اجلاس به طور یکپارچه گنادی زیوگائف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، عمده ترین چهره شناخته شده چپ، را برای رهبری جبهه انتخاب کرد. او رهبری ائتلاف مشابهی را در جریان انتخابات ریاست جمهوری روسیه، در ماه های خرداد - تیر، به عهده داشت که در جریان آن بیش از ۴۰ درصد آراء مردمی را به دست آورد. زیوگائف از جمله اظهار داشت که اتحادیه خلقی - میهنی باید آمادگی عکس العمل در قبال «تغییرات ناگهانی» در وضعیت سیاسی را داشته باشد و رهبری موج اعتراضات توده ای منجمله، اعتصابات - تظاهرات را که هم اکنون در مناطق محروم روسیه در جریان است، بدست بگیرد. زیوگائف گفت: «فقط یک سازمان وسیع و موثر می تواند در مبارزاتی که در پیش داریم، پیروز شود»

به موجب منشور اولیه، اتحادیه خلقی - میهنی یک جنبش غیر کمونیستی است هرچند عنصر اصلی آن را حزب کمونیست فدراسیون روسیه با ۶۰۰ هزار عضو تشکیل می دهد.

سازمان های عضو در جنبش جدید حل نخواهند شد، بلکه چهره خود را حفظ خواهند کرد و در شورای رهبری اتحادیه مقام و موقعیت برابر خواهند داشت. تاکنون ۵۰ حزب و سازمان کمونیست، سوسیالیست و ناسیونالیست، جنبش های اجتماعی و گروه های سیاسی منطقه ای عضویت اتحادیه را پذیرفته اند و به احتمال قوی بیش از ۱۰ حزب و سازمان دیگر نیز در آینده نزدیک دست به اقدام مشابهی خواهند زد. با در نظر گرفتن اینکه نیروهای راست طرفدار دولت در هفته های اخیر درصدد تجدید آرایش صفوف خود بوده اند، موفقیت چپ در گرد آوردن چنین طیف

ادامه در ص ۴

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.  
 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
**NAMEH MARDOM-NO:487**  
 Central Organ of the Tudeh Party of Iran  
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

27 August 1996

شماره فاکس و  
 تلفن پیام گیر ما  
 ۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۲۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
 شماره حساب  
 کد بانک  
 بانک  
 IRAN e. V.  
 790020580  
 10050000  
 Berliner Sparkasse